

مقایسه دو گناه غیبت و زنا

اعظم دهقان^۱

چکیده

غیبت و زنا در معارف دینی ما به عنوان رذایل اخلاقی شناخته شده است و از گناهان کبیره می‌باشند که طبق آیات و روایات مجازات‌های دنیوی و اخروی سختی برای آن‌ها در نظر گرفته شده به لحاظ ریختن آبروی افراد و حق‌الله و حق‌الناس که به گردن شخص می‌افتد و حبط و نابود شدن اعمال و حتی انتقال اعمال نیک شخص به دیگری و از بین رفتن کرامت و بزرگواری افراد و همچنین وارد شدن به وادی انکار خداوند و کفر و در نتیجه خروج از ولایت الهی و تجسم این دوگناه در برزخ حائز اهمیت است و محقق این دوگناه را از لحاظ اینکه یکی عقاب شدیدتری نسبت به دیگری دارد مورد مقایسه قرار داده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه دو گناه غیبت و زنا انجام گرفته است که مطالب این تحقیق با استفاده از کتاب‌ها و اینترنت و نرم‌افزارها گردآوری و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی جمع‌بندی شده است.

کلید واژگان:

حق‌الله، حق‌الناس، زنا، غیبت، گناه کبیره، مقایسه گناهان.

مقدمه

خداوند انسان را کامل‌ترین مخلوق کائنات قرار داده و او را از اختیارات لازم برخوردار نمود تا در این دنیای چند روزه با استفاده از امکانات گسترده موجود خویشتن را برای امتحانات الهی آماده سازد و خود را در محضر او به اثبات رساند؛ لذا موهبت‌های خاصی به انسان عنایت کرده و او را از شرایط ویژه‌ای نسبت به دیگر موجودات ملائکه و حیوان برخوردار نمود به انسان عقل را عنایت فرمود، جسم و روحی ظریف و حساس به او عطا کرد، در کنار همه نعمت‌ها شهوت و میل و گرایش به مادیات را در وجود انسان قرار داد تا به اشکال مختلف او را مورد آزمایش قرار دهد و زمینه تکامل او را فراهم آورد. هر عملی که انسان مرتکب می‌شود به طور کلی دارای پیامدهای دوگانه‌ای خواهد بود یا سبب آثار و فواید یا سبب عواقب و اثرات منفی می‌شود. خداوند بندگان خود را در همه مراحل زندگی آگاه و راهنمایی می‌کند، اما بندگان هستند که کوتاهی و سهل انگاری می‌کنند. آدمی از جانب خداوند امانت دار همه اعضا و جوارح خویش است باید همواره همه اعضایش را تحت تدبیر عقل به کارگیرد و آن را از انحراف باز دارد. یکی از مواردی که انسان را شدیداً مورد انحراف قرار می‌دهد غیبت و همچنین امور شهوانی و جنسی است که این دو مورد نسبت به نوع عقابشان و شدیدالعقاب بودن یکی نسبت به دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه این بحث در کتابها و مقالات مختلفی آمده از جمله :

۱. کتاب «گناهان کبیره» در کلام مجتهدی تهرانی نوشته سیدعباس اسلامی و اعظم قاسمی، ناشر: بوستان قرآن، چاپ سوم، ۱۳۹۳ که در این کتاب گناهان کبیره از جمله گناه غیبت و زنا به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته ولی در تحقیق پیش رو، مقایسه بین این دوگناه مورد بحث است که در نهایت شدت عقوبت غیبت نسبت به زنا را ثابت می‌شود.

۲. کتاب «جامع السعادات»، جلد دوم، مولف: مهدی نراقی، مترجم: کریم فیضی، انتشارات قائم آل محمد، چاپ سوم ۱۳۹۱ در این کتاب گناه غیبت و زنا جداگانه بررسی شده، اما در پژوهش حاضر در مورد شدت حبطاعمال توسط گناه غیبت نسبت به زنا پرداخته شده است.

۳. کتاب «بررسی گسترده ی فقهی غیبت»، به قلم سید محمد رضا مدرّسی طباطبایی یزدی، قم: انتشارات کریمه اهل بیت (علیهم السلام) ۱۳۹۱ که در آن فقط به غیبت آن هم از جنبه ی فقهی پرداخته، اما در این مقاله غیبت و زنا را از جنبه ی اخلاقی مورد بررسی قرار داده است.

۴. پایان‌نامه‌ای با عنوان «حبط اعمال از دیدگاه شیعه»، نویسنده سمیه‌السادات میرشمسی، سطح ۲ عمومی مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها استان یزد، ۱۳۹۴ که در این پایان‌نامه به صورت کلی در مورد حبط اعمال در صورت نداشتن ولایت بحث شده ولی در این مقاله، به صورت جزئی حبط‌اعمال توسط گناه غیبت و زنا مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۵. پایان‌نامه‌ی دیگری با عنوان «بازتاب اعمال در زندگی دنیوی انسان» به نویسندگی زهرا جعفری، سطح ۲ عمومی مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها استان یزد، ۱۳۹۶ که در این پایان‌نامه به صورت کلی به بررسی اعمال انسان و اثراتش در زندگی دنیا پرداخته شده درحالی‌که در پژوهش حاضر، به صورت جزئی به مقایسه آثار دو گناه غیبت و گناه در دنیا و آخرت پرداخته شده است.

۶. مقاله‌ای با عنوان «حکمت حرمت زنا از دیدگاه قرآن»، نوشته فضا جعفری سطح ۲ عمومی مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها استان یزد، ۱۴۰۳ که در این مقاله به موارد و دلایل حکمت حرمت زنا پرداخته شده، اما در این مقاله، به دلایلی که شدت گناه زنا را بررسی می‌کند پرداخته شده است.

هدف از تدوین این مقاله مقایسه دو گناه غیبت و زنا می‌باشد. حال این سوال مطرح می‌شود که دو گناه غیبت و زنا چه تفاوت‌های در ابعاد مختلف حق الله و حق الناس دارند؟ که در ادامه به آن پاسخ داده می‌شود.

الف) مفهوم شناسی

به منظور فهم بهتر مخاطب و آشنایی مخاطب با محتوای اصلی لغات و معنای اصطلاحی واژگان، در این قسمت به معنای لغوی و اصطلاحی واژگان اصلی پرداخته می‌شود.

از آیات قرآن و روایات بزرگان به دست می‌آید که بعضی از گناهان است که به ویژه در بی‌دینی و کفر انسان موثر است از جمله پیروی از هوای نفس و دنبال خواهش‌های دل رفتن چون وقتی انسان اسیر شهوت دل شد بر سر راه خود به قوانین و احکامی چه از نظر اجتماعی و چه از نظر دین برمی‌خورد که جلو او را می‌گیرد و مانع پیشروی و آزادی نامحدود او می‌شود و انسان هواپرست ناچار است قانون الهی و اجتماعی را زیر پا بگذارد. امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه ۱۲-۱۴ مطففین می‌فرماید:

«هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه در دلش نقطه سفیدی است و چون گناهی از او سر بزند خال سیاهی در آن پیدا شود پس اگر توبه کند آن خال سیاه برطرف گردد و اگر دنبال گناهان را بگیرد آن سیاهی افزوده شود تا وقتی که آن سفیدی را بپوشاند و چون سفیدی را فراگرفت دیگر صاحب آن هرگز به خیر و نیکی بازنگردد»^۱.

شرع مقدس گناه را دو قسم کرده کبیره و صغیره. گناه کبیره یعنی هر گناهی که در قرآن و حدیث به کبیره بودن آن تصریح شده باشد و خدای تعالی وعده آتش بر آن داده باشد و برای آن حد شرعی مشخص کرده باشد و بیانگر بی‌اعتنایی به دین باشد که غیبت و زنا هر دو از جمله گناهان کبیره می‌باشند.

۱. معنای لغوی و اصطلاحی غیبت

غیبت کردن به معنی گفتن بدی‌های یک فرد در جمعی که او در آن حضور ندارد به کار می‌رود. اصطلاح دیگری که معادل این معنای غیبت است، پشت سر کسی بدگویی کردن. غیبت در اصطلاح عبارت است از ذکر انسان در حال غایب بودنش به چیزی که اگر به گوشش برسد خوشایند او نیست.^۲

۲. معنای لغوی و اصطلاحی زنا

زنا به نزدیکی بین زن و مرد (آمیزش جنسی) در شرایطی که بین آن دو علقه زوجیت نباشد گفته می‌شود.^۳

ب) مقایسه ابعاد مختلف دو گناه غیبت و زنا

برای روشن شدن مبحث و پاسخ به سوال اصلی، لازم است مقایسه ای بین شدت عقاب در گناه غیبت و گناه زنا صورت گیرد؛ لذا این دو گناه را در ابعاد مختلف، در واقع همان بررسی جنبه حق‌الله یا حق‌الناس بودن، مورد بررسی قرار می‌گیرد که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. ریختن آبرو و شکستن حریم افراد در دو گناه غیبت و زنا (حق‌الله و حق‌الناس)

مقایسه شدت عقاب در گناه غیبت و زنا بستگی به میزان آثار وضعی و تکلیفی آن برای فرد و جامعه دارد که از جمله آثار بررسی حق‌الناس و حق‌الله بودن آن است حال این سوال مطرح می‌شود که آیا غیبت و زنا از گناهانی است که حق‌الناس را برعهده شخص می‌گذارد؟ در پاسخ باید گفت که سرمایه بزرگ انسان در زندگی حیثیت و آبرو و شخصیت اوست هر چیز آن را به خطر اندازد مانند آن

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴.

۲. راغب اصفهانی، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، ذیل واژه غیبت.

۳. همان، ذیل واژه زنا.

است که جانش را به خطر انداخته باشد مطابق آنچه در تعریف غیبت گفته شد کاملاً روشن است که غیبت جنبه حق الناس دارد زیرا باعث هتک حیثیت و تزییع آبروی مسلمانی می‌شود، و آبروی مسلمان همچون جان و مال اوست.

در قرآن کریم غیبت به خوردن گوشت برادر مؤمن بعد از مرگ او تشبیه شده جنبه حق الناس بودن آن روشن‌تر می‌گردد چون غیبت در غیاب افراد صورت می‌گیرد که همچون مردگان قادر به دفاع از خویش نیستند. خداوند در این باره فرموده است:

«وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ»؛ پی جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید».

از احادیث فراوانی نیز این حقیقت استفاده می‌شود که غیبت نوعی ظلم و ستم است که باید جبران گردد از جمله در خطبه حجة الوداع آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«ای مردم! همانا خونها و اموال و أعراض شما بر شما حرام (محترم) است، همچون حرمت این روز شما در این ماه شما در این شهر شما. هر آینه خداوند غیبت را حرام کرد، همچنان که مال و خون را حرام گردانید».^۱

بی شک هر خون بی‌گناهی ریخته شود باید جبران گردد، و هر مال مشروعی از هر کس تزییع شود، باید عوض آن را پرداخت، غیبت نیز باید به هر نحوی که ممکن است جبران شود. اصولاً قرار گرفتن آبروی مؤمن در کنار مال و خون او دلیل روشنی است بر این که تزییع آبرو جنبه حق الناس دارد.^۲ در حدیث دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بعد از آن که غیبت با مقایسه با زنا، شدیدتر از آن شمرده شده می‌فرماید: «اما غیبت کننده بخشوده نخواهد شد تا غیبت شونده او را عفو کند».^۳

۱. حجات: ۱۲.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۶۲. «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْغَيْبَةَ كَمَا حَرَّمَ الْمَالَ وَالدَّمَ». روایتی مشابه در مجموعه ورام از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که فرمود: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ، وَالْغَيْبَةُ تَنَاوُلُ الْعِرْضِ؛ تعرض به همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است، خون او و مال او، آبروی او، و غیبت تعرض نسبت به آبرو است». ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام)، ص ۵۴.

۳. <https://makarems Shirazi.net> تاریخ بازدید ۱۴۰۳/۱۲/۱۷.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۲. «إِنَّ صَاحِبَ الْغَيْبَةِ لَا يُغْفَرُ لَهُ حَتَّى يَغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ».

به هرحال، هر چیزی از خوب و بد، بو و نشانه‌ای دارد که آدمی می‌تواند آن را بفهمد و خوشحال و بدحال شود؛ البته در قیامت این مساله بیشتر خودش را نشان می‌دهد چراکه آنجا، مقام تجسم اعمال خوب و بد است. در بهشت بوی خوش در جریان است زیرا همه دارای اعمال نیک و نیت‌های خوب هستند؛ اما در دوزخ بوی گند تعفن آزاردهنده برمی‌خیزد که برخی از خود دوزخیان به فریاد و گلایه در می‌آیند، زیرا دوزخیان متفاوت و هم چنین گناهان متفاوت است. برخی از گناهان بوی بدتری دارند به گونه‌ای که گند آن همه را می‌آزارد. امیر المؤمنین علیه‌السلام درباره بوی گند گناه زنا فرمودند:

«هنگامی که روز قیامت فرا برسد، خداوند باد بدبویی را به وزیدن می‌اندازد که از بوی آن اهل محشر ناراحت می‌شوند، تا آنجا که این باد می‌خواهد نفس مردم را بگیرد. در این هنگام منادی صدا می‌زند: آیا می‌دانید بویی که شما را اذیت کرد، بوی چیست؟ مردم می‌گویند: خیر. همین قدر می‌دانیم که خیلی اذیت شدیم، به حدی که بیش از این امکان نداشت. به آنان می‌گویند: این بوی زناکاران است که زنا کرده و بی‌توبه از دنیا رفتند. آن‌ها را لعنت کنید که لعنت خدا بر آنان باد و در صحرای محشر کسی نمی‌ماند، مگر این که می‌گوید: خدایا زناکاران را لعنت کن»^۱.

در جای دیگر امام صادق علیه‌السلام جایگاه شخصی که پشت سر دیگران صحبت کند و به آنها بهتان زند و بخواهد عیوب آن‌ها را برملا سازد را این‌چنین بیان می‌کنند که :

«هرکس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند خداوند در روز رستاخیز او را در طینت خبال نگه دارد تا حرف خود را پس گیرد. (ابن ابی یعفور می‌گوید) عرض کردم: طینت خبال چیست؟ حضرت فرمود: چرک و زردابه‌ای است که از شرمگاه زنان فاحشه بیرون می‌آید»^۲.

طبق روایاتی که ذکر شد میزان عذاب و عقاب گناه زنا خیلی شدید بیان شده شخص زنا کننده بوی تعفن می‌دهد یا بدن او را با قیچی تکه تکه می‌کنند و... ولی کسی که غیبت می‌کند یا در حال خوردن گوشت مردار است یا خودش به شکل نان خورش سگ‌های جهنم در می‌آید و بین این شخص و افرادی که غیبت آن‌ها را کرده جدایی می‌افتد و اولین کسی است که به جهنم می‌رود و آخرین کسی است که از جهنم خلاص می‌شود و برای همین است که شدت گناه غیبت بیشتر از زنا بیان شده است.

۱. ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۵۶۵.

۲. ابن بابویه، معانی الاخبار، ص ۱۶۴. «مَنْ بَاهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً بِمَا لَيْسَ فِيهِمَا حَبْسَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي طِينَةِ خَبَالٍ، حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ، قُلْتُ وَ مَا طِينَةُ خَبَالٍ؟ قَالَ: صَدِيدٌ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ، يَعْنِي الزَّوَانِي».

۷. از بین رفتن وحدت بین افراد در غیبت وزنا

اسلام به تشکیل جامعه ای نظر دارد که در آن روابط نزدیک و صمیمانه میان اعضا آن برقرار و بر پایه بندگی خداوند مبتنی است و از سوی دیگر برپیوندهای صمیمانه میان اعضا تاکید دارد. این پیوند تجلی همان احساسی است که با تعبیر قرآنی اخوت بیان شده است.^۱ به همین دلیل در سوره حجرات مردم را از گناهای که باعث دوری و تفرقه بین آنها می شود نهی کرده از جمله گناه غیبت^۲.

انسان عضویت یک جامعه را برای این پذیرفته است که در آن منزلت انسانی اش یعنی کرامت آبرو و جان و مالش در امان باشد درحالیکه غیبت هویت اجتماعی را از آنان می گیرد. در آغاز یک فرد را از میان افراد جامعه تباہ می کند سپس فرد دوم و به همین ترتیب در اثر رواج این خلق و خوی پلید همگی افراد جامعه را از صلاحیت زندگی اجتماعی و درخور منزلت انسانی دور می سازد. در این حال افراد از یکدیگر می گریزند و نسبت به هم بدگمان می شوند و از یکدیگر احساس ناامنی می کنند و در نتیجه باعث دشمنی و بی اعتمادی می شود و باعث جدایی و پراکندگی می شود.^۳ خداوند به شکل استفهام انکاری می فرماید: «أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا»^۴.

از آنجا که عشق به حسن و کمال و تنفر و انزجار از زشتی و نقص از فطرت الهی انسان مایه می گیرد: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۵. انسان ها کسی را که غیبت و بدگویی پشت سر دیگران دوری گزیند دوست می دارند و در مقابل از کسی که زبان به بی بند و باری دارد بیزار و دلزده هستند. انسان به اقتضای فطرت الهی خود هیچ گاه به خوردن گوشت برادر مرده خودتن نمی دهد و آبرو و کرامت او را مخدوش نمی کند چراکه این کار انحراف از فطرت الهی اوست ولی درزنا نسبها و شجره های خانوادگی قطع شود و اختلافات و درگیری های شدید خانوادگی به وجود آید و کانون خانواده ها از هم پاشیده شود و مرض های گوناگون تناسلی و بیماری های جدیدی همچون ایدز و هیپاتیت و ... زیاد شود. نیز باعث می شود عفت و حیا، غیرت، و مودت و رحمت در میان افراد اجتماع جای خود را به بی عفتی، بی شرمی، بی غیرتی، دشمنی و شقاوت بدهد.

۱. اشاره به آیه حجرات: ۱۰.

۲. اشاره به آیات حجرات: ۱۱-۱۲.

۳. خلجی، غیبت، ص ۸۹.

۴. حجرات: ۱۲.

۵. روم: ۳۰.

۶. خلجی، همان، ص ۹۰.

نتیجه‌گیری

منشأ اصلی و علت نخستین برای غیبت کردن، توجه به مردم و مراقبه اعمال و حالات آنان است. کسی که خضوع و خشوع و توجه او نسبت به پروردگار متعال کمتر است، قهراً ارتباط و تماس او با غیر خدا بیشتر و عمیق‌تر گشته، و چون قلبش صفاء و روحانیت و نورانیت کامل پیدا نکرده است، در اثر برخوردها و انس و اختلاط، مبتلا به سوء ظن و حسد و تکبر و تعجب و تزیین و سایر صفات رذیله شده، و منجر به غیبت و بدگویی خواهد شد و منشأ زنا دنبال خواهش دل و هوی و هوس رفتن است. دین اسلام با زنا کردن و دست درازی به ناموس دیگران و از مرز عفت و پاکدامنی خارج شدن کاملاً مخالف است زیرا در چنین جامعه‌ای افراد روی خوشبختی و سعادت را نخواهند دید. باتوجه به آیات و روایات بیان شده در متن معلوم می‌شود چرا این دو گناه کبیره معرفی شدند چون باعث سیاه و دگرگون شدن قلب انسان می‌شوند و راه رذایل اخلاقی دیگر برای انسان گشوده می‌شود مخصوصاً گناه غیبت که در آن هم رذایل اخلاقی دنیوی آن از زنا بدتر است و هم عقاب آن در برزخ و قیامت شدیدتر می‌باشد. نتایجی که از این تحقیق به دست می‌آید به این ترتیب است:

- ۱- میزان حق الناس در گناه غیبت نسبت به زنا بیشتر است.
- ۲- اعمال انسان در گناه غیبت بیشتر از زنا حبط و نابود می‌شود.
- ۳- کرامت شخص در غیبت بیشتر از زنا از بین می‌رود.
- ۴- میزان خروج شخص از ولایت الهی در گناه غیبت بیشتر از زنا می‌باشد.
- ۵- تجسم برزخی گناه غیبت در قیامت بدتر از زنا می‌باشد.
- ۶- در هردو گناه شخص به کفر و بی‌دینی و انکار خداوند و فرستاده‌های او می‌رسد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

کتاب‌های فارسی

۱. اسلامی، سیدعباس، قاسمی، اعظم، بررسی گناهان کبیره در مواظ و کلام آیت الله مجتهدی تهرانی (برگرفته از ۱۱۰ مجلس پیرامون گناهان کبیره، رذایل اخلاقی، به انضمام توبه و جهاد با نفس)، قم: بوستان قرآن، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۲. امام ششم حضرت صادق (ع)، مصباح الشریعه، مترجم: حسن مصطفوی، بی جا: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۳.
۳. خلجی، محمدتقی، غیبت، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ نشر عروج، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۴. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۶. رسولی محلاتی، سیدهاشم، کیفر گناه، بی جا: چاپخانه حیدری، چاپ ۱۲، ۱۳۷۸.
۷. زینالی، سیدحسین، احمدیان، محمود، مدنی، سیدمحمود، شریفی، محمود، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع): همراه با متن کتاب موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، مترجم: علی مویدی، بی جا: معروف، چاپ: ۸، ۱۳۹۰.
۸. سهراب پور، همت، آثار گناهان، بی جا: چاپ و نشر دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۱۱، ۱۳۹۳.
۹. کرمی نژاد، مصطفی، گناهان کبیره، بی جا: نهانندی، چاپخانه قلم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۰. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
۱۱. مکارم شیرازی ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق = ۱۳۸۴.
۱۲. نراقی، مهدی، جامع السعادات، مترجم کریم فیضی، بی جا: قائم آل محمد، چاپ سوم، ۱۳۹۱.
۱۳. ورام، مسعودبن عیسی، مجموعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام)، مترجم: رضا عطایی، بی جا: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ: ۳، ۱۳۸۵.

کتاب‌های عربی

۱۴. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم صادق طالبی مازندرانی، قم: شمیم کوثر، ۱۳۹۲.
۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۱۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب: المحرمه، بی جا: دار الحکمه، چاپ: ۸، ۱۳۹۲.
۱۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق/ مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: بی نا، ۱۳۹۰ ه ق.
۲۰. قاضی پور، سعید، مومن زاده، مهدی، کتب اربعه شیعه، تهران: آرنه، ۱۳۹۶.
۲۱. کاشانی، محمد بن مرتضی مدعوم حسن، محجه البیضاء فی تذهیب الاحیاء، بی جا: فرهوش، ۱۳۹۶.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۵ ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

مقالات و مجلات

۲۵. جعفری، فضه، حکمت حرمت زنا در آیات و روایات، سطح ۲ عمومی مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها استان یزد، ۱۴۰۳.
۲۶. هاشمی نژاد، نعمت الله، اسلام در سیرالیون، مجله درس هایی از مکتب اسلام سال نوزدهم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۸.

سایت ها

۲۷. <https://makaremshirazi.net>